

زینب مرزوقی  
خبرنگار گروه شد روز

یادداشت

«هر شیفیتی که می‌رفتیم ۶ ساعته بود. ۶ ساعت کار و ۶ ساعت بعدی استراحت بود؛ اما ۶ ساعت استراحت را نمی‌شد که کاری کرد. انگار که در فرار بودیم. با فرار و عجله غذا می‌خوردیم. با عجله حمام می‌رفتیم. نهایتاً می‌توانستیم یک ساعت بخوابیم تا خودمان را به شیفت بعدی برسانیم. بعد از آن حادثه و انفجار، خیلی از کارگرها برای تسویه آمدند. خیلی‌ها از ترس جانشان کار را نیمه‌کاره رها کردند و پیمانکار برایشان غیبت رد کرد. به ما قول حقوق بیشتر دادند که سرکار برویم. با این وضعیت و خطری که برایشان دارد، اگر حقوق را بیشتر نکنند، به معدن برنمی‌گردم. البته بعد از حادثه وضعیت‌مان بهتر شد. مثلاً آب حمام‌های خوابگاه را درست کردند. به ما ماسک دادند. اما خب ماسک‌هایی که یکبار مصرف‌اند. خیلی از بچه‌هایی که فوت شدند، دوستانم بودند. از روستای خودمان ۴ برادر از یک خانواده فوت شدند و یک خانواده دیگر هم ۲ برادر از دست داد.»

با اینکه جوان ۳۰ و چندساله‌ای بود اما دهن که باز می‌کرد و حرف که می‌زد، دندان‌های پوسیده و سیاهش مشخص بود. این روزها حتی کارمند دولت هم به سختی می‌تواند دندان‌هایش را درمان کند، چه برسد به کارگر معدنی که ۱۳ میلیون حقوق می‌گیرد و تمام دندان‌هایش هم پوسیده باشد. شاید من هم اگر کیلومترها دور از خانه و خانواده‌ام، در معدن زغال سنگ جان می‌کنم، وقت دندانپزشکی پیدا نمی‌کردم. با ما خبرنگاران سوار شده بود تا او را به طبس برسانیم. حراست معدنجوی طبس، انگار که مجرم و اسیر گرفته بود. با موتور تا دم ورودی خوابگاه دنبلمان کرد و نگاهش کرد که وارد محوطه معدن شویم. نزدیک به اتاقک حراست خوابگاه، این جوان داد زد: «تا طبس می‌روید؟» و تمام ما خبرنگاران از خداخواسته، انگار که قاصدی از سوی آسمان به ما نازل شده بود، نگه داشتیم تا او را تا طبس برسانیم و پای درد دلش بنشینیم. قبلش به حراست گفته بودیم ما را به یک لیوان آب یا یک استکان چای مهمان کند. بچه‌ها ساده‌دل بودند. فکر می‌کردند اگر با حراست در آن مدت‌زمان کم رفاقت کنند؛ اجازه می‌دهد وارد محوطه معدن شوند. حرف می‌زدند و نگاه‌شان می‌کردم. می‌دانستم حراست چقدرتر از این حرف‌هاست. مجوز کتبی از دادستانی هم بهانه بود. اصل بیچاندن خبرنگار و نرسیدنش به محوطه معدن بود که تقریباً با موفقیت انجام شد. ولی به هر حال، دیدیم که آنچه ارزان است جان کارگر بوده و معدن معدنجوی طبس کارش را از سرگرفته است.

ساعت ۲۱ روز ۳۱ شهریورماه وقتی که کارگران معدن معدنجوی طبس مشغول استخراج زغال سنگ بودند، بر اثر فشرده‌گی گاز در پشت لایه‌های زغال سنگ، کارگاه استخراج در بلوک C منفجر می‌شود. شدت انفجار و فشار گاز متان و گازهای سمی هم به حدی بود که گاز به سرعت به بلوک B می‌رسد و کارگرانی که تقریباً ۲ کیلومتر از محل انفجار فاصله داشتند، دچار خفگی و گازگرفتگی می‌شوند. تعدادی‌شان در همان حین و پس از استنشاق گاز فوت کرده و عده‌ای هم مصدوم می‌شوند. این را از مهندسان فنی معدن، دو روز بعد از حادثه و هنگام بیرون آوردن پیکر فوت‌شدگان بلوک C شنیدیم. چند روز پس از حادثه و بررسی کارشناسان، همین گفته‌ها توسط دبیر انجمن زغال سنگ کشور نیز تأیید شد.

حادثه معدن معدنجوی طبس و جانباختن ۵۳ نفر از هموطنانمان تقریباً بی‌سابقه بود. با وجود بالا بودن حوادث معدن در کشور و خصوصاً بالا بودن حوادث در معادن زغال سنگ اما پیش از این حادثه تنها در سال ۹۶ حادثه معدن بورت آزادشهر بود که معدن زغال سنگ، جان ۴۳ کارگر را گرفت. این بار اما در معدنجوی طبس تعداد جانباختگان بالاتر بود و همین تعداد بالای کشته‌شدگان، توجه مسئولان را به ابعاد حادثه جلب کرد. حالاً بیش از ۴۰ روز از حادثه معدنجوی طبس گذشته است. در این مدت مسئولان کشور و دستگاه‌ها، تلاش‌هایی برای پی بردن به ابعاد فنی و ایمنی ماجرای معدنجوی طبس و تبعات اجتماعی آن داشتند.

ادامه در صفحه ۷

## رقابت بین هریس و ترامپ

به جاهای باریکی کشیده شده است

## ترامپ دوباره از تقلب

در انتخابات گفت

زیبانه، دال مرکزی  
انتخابات آمریکا

خرازی، دیپلمات محافظه‌کار از احتمال تغییر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران گفت

## تهدید تمام و کمال



کمی اطلاعات واقعی درباره رشد اقتصادی بخوانید

رئیس دانشگاه علوم پزشکی آزاد تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» خبر داد

گزارش «فرهیختگان» از کتاب «ایستگاه خیابان روزولت»

رشد اقتصادی  
از پاورپینت تا روی زمینراه‌اندازی دانشکده  
جامع سلامت و بهداشت همگرا  
تا پایان سالایستادن  
روی دیوار حقیقت

شماره  
۴ ۲ ۶ ۸  
صفحه  
۱۶  
تومان  
۱۰۰۰۰

شنبه  
۱۴۰۳  
۲۹ ربیع‌الثانی  
۱۴۴۶  
۲ نوامبر  
۲۰۲۴

RIKHTEGANONLINE  
RIKHTEGANDAILY.COM